

بررسی تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش

زهراسادات چیره‌دست (نویسنده مسئول) نیره نظیری ۲

۱. ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، ایران @zahrasadat31@gmail.com

۲. ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی، ایران nazarinayere@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: تعلیم و تربیت، عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهاد کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه‌ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه‌ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته‌های محقق استفاده شده است. یافته‌ها: از نظر این پژوهش تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله‌ی فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه‌ی فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت. نتیجه‌گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می‌شود که تعلیم و تربیت، به هر شکل که تعریف شود و هدف آن هر چه باشد، مستلزم ایجادویژگی‌ها و خصوصیتی است که در متربی به عنوان یک انسان صورت می‌گیرد، بنابراین موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است. لازمه‌ی تربیت، شناخت روح و روان و قوا و استعدادهای انسان است، و به گفته‌ی بعضی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت به صورتی که در خور مقام و موقع انسان باشد، مستلزم شناخت انسان و مقام و موقع او در مراحل تطوّر نوعی و فردی است.

واژه‌های کلیدی: تعلیم و تربیت، اسلام، سعادت، رشد و تکامل، استعدادهای انسان.

۱- مقدمه

تعلیم، پرورش و استقلال نیروی فکری دادن و زنده کردن قوه ابتکار متعلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ از این رو، کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیر جانداران را نمی توان به مفهوم واقعی پرورش داد آن طور که یک گیاه یا حیوان و یا یک انسان را پرورش می دهند [۱]. از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشید تا همان استعدادهایی که در آن هست بروز کند. بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و این استعدادها در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع [۲].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

اهمیت تعلیم و تربیت

درباره اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او در گرو آن است. تعلیم و تربیت صحیح، شرط لازم کمال آدمی است. اگر آدمی زیر نظر مربیان الهی تربیت شود فرشته خو می گردد، وگاه از فرشتگان فراتر می رود وگرنه به قهقرا رفته، به مرتبه ی حیوانات و فروتر از آن تنزل خواهد کرد. رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی، منوط به تعلیم و تربیت صحیح است. نظر به اهمیت تعلیم و تربیت، بزرگان علم اخلاق، تعلیم و تربیت را «شرف صناعات» و برترین دانش ها دانسته اند. ثمره ی تعلیم و تربیت صحیح به اصلاح فرد منحصر نمی شود، بلکه جامعه را هم متحول می کند. با نگرش دقیق به ساختار روحی و روانی انسان، ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت صحیح رخ می نماید؛ زیرا هر چند در نفس آدمی گرایش به خیر و شر وجود دارد و به تعبیر قرآن کریم، فجور و تقوا به او الهام گردیده است، اما گرایش یا آگاهی فطری به خیر و شر و سعادت و کمال، کفایت نمی کند؛ زیرا کمال و سعادت در پرتو تلاش و حرکت و تعلیم و تربیت به دست می آید. تربیت یا آموزش و پرورش، با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می شود آموزش و پرورش آن ها را تحقق می بخشد و جهت می دهد [۳].

انسان ناگزیر است اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سالم، بدون تربیت صحیح غیر ممکن است. فرهنگ انسان، محصول و نتیجه ی تربیت یا آموزش و پرورش است و بین کیفیت فرهنگ هر جامعه و کیفیت تربیت آن، ارتباط مستقیم وجود دارد. برخورداری از شخصیت سالم و در نتیجه احساس آرامش و امنیت خاطر بدون تربیت سودمند امکان ندارد. [۴]

رابطه ی تعلیم و تربیت

چنان که می دانیم کلمه ی تعلیم به معنی آموزش، و کلمه ی تربیت به معنی پرورش است و در گذشته به جای «آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت» به کار می رفت.

در مورد این که آیا این دو واژه یک مفهوم و معنی را می‌رسانند یا آن که هر کدام بر عمل خاصی اطلاق می‌شوند و از یکدیگر، جدا هستند، اختلاف است. معمولاً در نظر عامه ی مردم این دو واژه از هم جدا هستند و هر یک بر عمل خاصی اطلاق می‌شوند:

تعلیم یا آموزش به یاد دادن موضوع‌ها و مهارت‌های خاص به دانش‌آموزان و دانشجویان گفته می‌شود، مانند آموزش ریاضی، فیزیک، شیمی، عربی، و تربیت یا پرورش، به آموزش‌های دینی و اخلاقی و انسان‌بارآوردن دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ولی در روان‌شناسی اعتقاد بر این است که هر عملی که از انسان سر می‌زند به کل وجودش مربوط است و هر گونه تفکیک و جدایی در رفتار انسان، یک امر ذهنی یا تصویری است که با وجود واقعی انسان همخوانی ندارد. هیچ یک از اعمال و رفتار و حرکات انسان را نمی‌توان یافت که با کل وجود او ارتباط نداشته باشد. در قرآن کریم نیز همیشه کل وجود انسان، مخاطب قرار گرفته است و خداوند او را به صورت یک کل یا واحد، مسؤول قرار داده است، اگر چه برای تعبیر از این وحدت، کلمات گوناگون از قبیل: بنی آدم، انسان، نفس، قلب و... به کار برده است. مربی یک کار بیشتر انجام نمی‌دهد و آن کمک به پیدایش «تغییر رفتار» در دانش‌آموز (یا متربی) است؛ اگر چه این عمل او را ممکن است با دو کلمه تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) تعبیر کرد. [۵]

از سوی دیگر با نگرش دقیق در تعریف تربیت، می‌توان دریافت که تربیت هم مستلزم نوعی تعلیم است و مربی باید متربی را با حقایقی آشنا کند تا متربی با عمل به آن‌ها به رشد و پرورش ابعاد مختلف روحی و معنوی خود بپردازد. بدین جهت می‌توان گفت که تعلیم، شرط لازم تربیت است. در قرآن کریم هر جا سخن از رسالت خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) به میان آمده، تلاوت، تزکیه و تعلیم در کنار هم قرار گرفته و جز در یک مورد یعنی دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سایر موارد، تزکیه بر تعلیم مقدم گردیده است. تقدم تزکیه بر تعلیم، تقدم رتبی است نه زمانی؛ بدین معنی که تربیت و تهذیب و تزکیه ی نفس، نسبت به آموزش‌های فکری و ذهنی، از اهمیت بیشتری برخوردار است [۶].

تربیت پذیری انسان

اندیشمند فرزانه احمد بن مسکویه (متوفای ۴۲۱ هـ. ق) پس از تعریف خلق و تقسیم آن به دو قسم: طبیعی و مستفاد (یا اکتسابی) به اختلاف آرای پیشینیان در مورد امکان تغییر خلق و تربیت آدمی اشاره نموده و نظریه امکان تغییر خلق و تربیت پذیری انسان را اختیار می‌کند و می‌گوید: این دیدگاه که اخلاق آدمی قابل تغییر نیست، خط بطلانی است بر نیروی تمییز و تعقل، و کنار گذاشتن شیوه‌های تربیتی و رها کردن مردم به حال خود و این که در مورد آنان هیچ گونه تعلیم و تربیتی صورت نگیرد و این، کاری است که زشتی آن بسیار آشکار است [۷] اساساً از خصوصیات آدمی «تحول و تطور پذیری» و قابلیت شکل‌گیری‌های گوناگون شخصیت است. انسان به گونه‌ای آفریده شده است که می‌تواند با آگاهی و آزادی در محدوده‌ای نسبتاً گسترده راه خویش را برگزیند: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان / ۳) و در همان راه منتخب خود، شخصیت و هویت فکری، اخلاقی و فرهنگی خویش را شکل بخشد. اگر تکامل پذیری و قابلیت تغییر در طبیعت و گوهر وجود آدمی نبود، علم اخلاق و علوم تربیتی و مکاتب تربیتی همه بی‌معنا بود [۸].

مختار بودن انسان، نخستین اصل از اصول موضوعه و مبادی نظام اخلاق اسلامی است و این اصل از نظر تربیتی، اهمیتی فراوان دارد و آدمی را از سستی و تنبلی و این که خود را محکوم عوامل جبری از قبیل جبر محیط یا جبر تاریخ یا قانون وراثت بداند و از خود سلب مسؤولیت کند، دور می‌سازد. از این رو در بررسی نظام اخلاقی اسلام، بیش از هر چیز باید بر اختیار انسان تکیه کنیم و در فهم معارف اسلام از قبیل توحید، قضا و قدر و دیگر معارف که سهل‌انگاری در آنها ممکن است خسارت بار و انحراف‌آور باشد، کاملاً توجه داشته باشیم که مختار بودن انسان از بدیهی‌ترین اصول اخلاقی اسلام و از محکم‌ترین معارف اسلامی است، چرا که سراسر قرآن شهادت می‌دهد که با انسان به عنوان موجودی مختار سر و کار دارد. اصولاً خودسازی و تزکیه و تهذیب اخلاق وقتی برای انسان میسر است که معتقد به توانایی خود در به دست آوردن کمالات و ارزش‌ها باشد [۹].

ویژگی های تربیت اسلامی

۱. الهی بودن

سرچشمه ی تربیت اسلامی، وحی و تعالیم آسمانی است. قرآن کریم، کتاب تربیت و هدایت است و در این تردیدی نیست که هیچ کتابی به پایه ی قرآن کریم نمی رسد و تربیت اسلامی، تربیتی الهی است. قرآن کریم تأکید می کند که تربیت و تزکیه ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) جنبه ی الهی و منشأ وحیانه دارد: هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمۃ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین. (جمعه / ۲) اوست که در میان امیین، رسولی از خود آنان بر انگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت می کند و آنان را تزکیه می نماید و کتاب و حکمت می آموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم پیامبران و افضل آنان است، به طور مستقیم با منبع وحی مرتبط بود و خود نیز تحت تربیت ویژه الهی قرار داشت. به عبارت دیگر خدای سبحان، پیش از آن که این مربی بزرگ بشریت را مبعوث کند، او را از دوران کودکی تحت پوشش خاص تربیتی خود قرار داده و بزرگ ترین فرشته خود را با او همراه ساخته بود تا وی را به سلوک در مسیر مکارم و محاسن اخلاقی رهنمون شود. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: و لقد قرن الله به (صلی الله علیه و آله و سلم) من لدن ان کان فطیما اعظم ملک من ملائکته یسلک به طریق المکارم، و محاسن اخلاق العالم، لیله و نهاره [۱۰]

خدای متعال او را از هنگامی که از شیر باز گرفته شد با بزرگ ترین فرشته ای از فرشتگان خود (روح القدس یا جبرئیل) همراه ساخت تا او را همواره شب و روز در طریق ارزش ها و اخلاق نیکوی عالم رهنمون گردد. علی (علیه السلام) نیز که پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بزرگ ترین مربی بشریت است، خود را تابع و تربیت یافته ی مکتب تربیتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی می کند و می فرماید: و لقد کنت اتبعه اتباع الفصیل اثر امه، یرفع لی فی کل یوم من اخلاقه علما، و یأمرنی بالاعتداء به ... [۱۱]

من همواره همراه و ملازم او بودم. چنان که بچه شتر همواره ملازم مادر است، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر روز پرچمی (و به اصطلاح تابلویی) از اخلاق خود را پیش رویم فرا می داشت و مرا به پیروی از آن فرمان می داد. البته رهنمودهای پیشوایان معصوم علیهم السلام که از آن به «سنت» تعبیر می شود، نیز منبع بسیار گسترده و غنی تربیت اسلامی است، زیرا قول، فعل و تقریر این مریبان بزرگ الهی در حقیقت به سرچشمه وحی متصل، و سازنده و ثمر بخش است.

۲. شمول و جامعیت

مکاتب مختلف تربیتی هر کدام به یک جنبه از ابعاد وجودی انسان، توجه و از ابعاد دیگر غفلت کرده اند. در یک مکتب فلسفی که احیاناً در مورد ارزش شناسی هم نظر می دهد، چیزی جز چند اصل یا نظریه در مورد واقعیت جهان و حقیقت انسان، و مبحث شناختی و ارزش شناسی وجود ندارد. با این که اسلام یک مکتب فلسفی و قرآن یک کتاب فلسفی یا روان شناسی یا جامعه شناسی به معنای مصطلح نیست، ولی مشحون از اندیشه های فلسفی، تربیتی و جامعه شناسی است. در قرآن کریم درباره جهان، انسان، خدای مهربان، سرگذشت اقوام و ملل، فلسفه تاریخ، علل ترقی و سقوط تمدن ها، هدایتگری پیامبران و انحطاط کافران و مشرکان در اندیشه و عمل سخن رفته است [۱۲].

برنامه های تربیتی اسلام شامل همه ابعاد وجودی انسان می شود و تمام نیازهای آدمی اعم از جسمی و روحی، دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده است.

۳. هدایتگری

از ویژگی های بازر تعلیم و تربیت اسلامی، نقش هدایتی آن است. قرآن، کتاب تربیت و هدایت است و درباره این نقش خود می فرماید: ۱. ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین (بقره / ۲) این است کتابی که در (حقانیت) آن هم تردیدی نیست؛ و مایه ی هدایت تقوا پیشگان است. ۲. قد جاء تکم موعظۃ من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمۃ للمؤمنین (یونس / ۵۷) ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان (به خدا) آمده است.

۴. خرد پروری

یکی از ویژگی های بارز و برجسته ی نظام تربیتی اسلام، تأکید فراوان بر روی عنصر عقل و خرد است. در اسلام هم تعلیم و تربیت، عبادت است و هم تفکر. بلکه تفکر بالاترین و برترین عبادت به شمار آمده است «افضل العبادة التفکر» یا «لا عبادة كالتفکر» [۱] یا «كان اكثر عبادة ابي ذر التفکر» [۲] با تفکر- صرف نظر از نتایج آن برای آدمی- خود فکر نیز رشد می کند و توسعه می یابد. در قرآن کریم در بیش از ۱۸ آیه درباره تفکر، و در ۴۹ آیه در مورد تعقل، و در ۱۶ آیه در مورد اولواالباب، سخن گفته شده است. یکی از تعابیر تربیتی قرآن، «تزکیه» است. معنای لفظی تزکیه، پاکیزه گردانیدن و رشد دادن است و مشتمل بر تربیت و پرورش است. قرآن کریم در مورد نقش خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم)- که مربی بزرگ الهی است- سه تعبیر آورده است: تلاوت، تزکیه و تعلیم: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة» (جمعه/ ۲) یعنی اوست که در میان امیین، رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را برآن تلاوت می کند و آنان را تزکیه می نماید و کتاب و حکمت می آموزد. از نظر اسلام، تعلم بدون تفکر و تعقل، کافی نیست، تفکر بر روی مواد و مطالب فراگرفته شده نیز لازم است [۳]

تاریخچه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش

با علم به اینکه گسترش آموزش در سطوح بالا و تعداد مدارس هر کشور، به وضع اجتماعی و سیاسی آن بستگی دارد، در ایران نیز در ادواری که ثبات سیاسی و اجتماعی حاکم بود، تعداد این مراکز افزوده می گشت، ولی از آغاز قرن هفتم هجری که هجوم قوم مغول به ایران شروع شد تا قرن دهم هجری که حکومت صفویان در ایران مستقر گردید، مدارس عالی رو به ویرانی نهاد. در دوره ی صفویان، موجبات وحدت ملی، از طریق وحدت در عقاید مذهبی فراهم آمد و مدارس عالی دینی به منظور تربیت مبلغان مذهب جعفری و معلمانی که بتوانند فرائض دینی را به کودکان و جوانان بیاموزند و آنان را به آداب تشیع آشنا کنند، بنیان گذاری شد. در مدارس عالی دوره ی صفوی، طلاب علوم دینی به تحصیل فقه، اصول، معانی و بیان، علم کلام و شرعیات اشتغال داشتند. از هنگام تأسیس دانشگاه جندی شاپور تا زمان تشکیل دولت صفویه، آموزش عالی سنتی ایران همواره نیازمند حمایت دولت ها بوده و به همین جهت همگام با تحولات سیاسی، دچار فراز و نشیب می شده است. حاکمان حکومت صفویه در پرتو وحدت سیاسی و مذهبی که به ارمغان آوردند، سیستمی را بنیان گذاری نمودند که به موجب آن، مردم خودشان دواطلب ایجاد، اداره و حفظ مدارس شدند و این نظام تا به امروز در آموزش عالی کما بیش به همان نحو عمل می کند [۴].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آنها. تعلیم و تربیت مجموعه ای از اعمال است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می گیرد. تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله ی فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه ی فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت.

منابع و مأخذ

۱. اتسلندر، پیتر، روشهای تجربی تحقیق اجتماعی، بیژن، کاظم زاده، (۱۳۷۵) مشهد، آستان قدس رضوی،
۲. احدیان، محمد و آقازاده، محرم، (۱۳۷۸) راهنمای روشهای نوین تدریس برای آموزش و کارآموزی، تهران، آیش،
۳. ادواردز، الن، طرح آزمایشی در تحقیق روانی، سیده رقیه یثربی، (۱۳۷۳) تهران، سمت،
۴. استیک، دیوراچی، (۱۹۸۶)، انگیزش برای یادگیری، از نظریه تا عمل، ترجمه ی رمضان حسن زاده و نرجس عموی، (۱۳۸۵) دنیای پژوهش، تهران،
۵. اسلامی، محسن، (۱۳۸۳)، قابلیت های آموزشی شبکه جهانی، میزان دسترسی، استفاده از آن و دیدگاه دانش آموزان و دبیران دوره دبیرستان، انجمن برنامه ریزی درسی ایران،

۶. اشمیت، ریچارد، ای ، یادگیری حرکتی و اجرا، از اصول تا تمرین، ترجمه نمازی زاده، محمد مهدی و واعظ موسوی، محمد کاظم، (۱۳۸۴) ، تهران، سمت ،
۷. آقازاده، محرم، (۱۳۸۴) راهنمای روش های نوین تدریس بر پایه پژوهش های مغز محوری ، تهران ، پوران پژوهش
۸. ایران نژادپاریزی، مهدی، (۱۳۸۵) ، روش های تحقیق در علوم اجتماعی ، انتشارات فرا انگیزش ،
۹. بازرگان ،عباس (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم تربیتی، تهران، آگاه،
۱۰. بی،ارل (۱۳۸۶) روش تحقیق در علوم اجتماعی، رضافاضل، تهران، سمت،
۱۱. بنجامین، س، بلوم، ویژگی های آدمی و یادگیری آموزشی، ترجمه علی اکبر سیف ، (۱۳۷۴) چ دوم، تهران، نشر دانشگاهی،
۱۲. بونی، فیس، (۱۳۷۹)، طرح آزمایشها و روشهای آماری، هوشنگ طالبی و دیگران، تهران ، سمت،